

## دیدگاه‌های کیهان‌شناختی در هستی‌شناسی جینی

محسن شرفایی مرغکی<sup>۱</sup>؛ ابوالفضل محمودی<sup>۲\*</sup>

۱. دانش‌آموخته دکتری رشته ادیان و عرفان، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۱۰)

### چکیده

موضوع نوشتار حاضر تبیین کیهان‌شناسی آیین جین است. گرچه در این آیین برای جهان خالقی متصور نیست، با وجود این، تبیینی منحصر به فرد و آکنده از مفاهیم فلسفی دارد. در تفکر جین، جهان ازلی و بدون آغاز است که علاوه بر لکه (جهان مادی و محسوس) شامل لکه (جهان نامحسوس) هم می‌شود. در آیین جین، موجودات جهان به دو دسته «چیتنه» یا «شعورمند» و «اچیتنه» یا «غیرشعورمند» تقسیم می‌شوند و موجودات گوناگونی در ذیل هر یک قرار دارند. در جهان‌شناسی جینی، جهان مادی سه بعد دارد و از چهار طبقه تشکیل شده است که در هر کدام از طبقات آن موجودات خاصی سکونت دارند. از مهم‌ترین مفاهیم جهان‌شناختی جینی «دروئیه» یا «جوهر» است که نه به‌طور مطلق، ثابت و نه پیوسته در حال تغییر است؛ بلکه هر دو را دربر می‌گیرد.

### واژگان کلیدی

آیین جین، لکه، جوهر، کیهان‌شناسی جینی، لکه.

## مقدمه

جست‌وجو درباره پیدایش، آغاز و انجام جهان، مراتب، موجودات و عناصر تشکیل‌دهنده آن جزو مباحثی هستند که در متون دینی صاحبان ادیان مختلف، کم و بیش به آن پرداخته شده است. ادیان شرقی نیز هر کدام به‌نوعی، تصویری از جهان ارائه کرده‌اند و بیشتر در صدد ارائه تبیین فلسفی از آن بوده‌اند. از جمله این ادیان آیین جین منسوب به فردی با نام «مهاویره» به‌معنای «قهرمان روحانی بزرگ» است. ریشه آیین جین به دوره پیش از تاریخ و حتی پیش از ظهور آریایی‌ها برمی‌گردد. آنها ساکنان دره گنگ و جامعه‌ای منزوی بودند که بر ریاضت‌های فردی تأکید داشتند و هدفشان نیل به «خیر اعلی»<sup>۱</sup> بود. بدبینی به زندگی، نیل انسان به مرتبه خدایی به‌واسطه ریاضت‌های شاقه، آنیمیسیم، تناسخ ارواح و کرمه از مهم‌ترین باورهای آنهاست. با رشد آیین برهمنی و سیطره برهمنان، آیین جین کاملاً از در مخالفت با این آیین درآمد تا جایی که رهبران دینی آنها و برهمنان با یکدیگر دچار اختلاف شدند. دغدغه اصلی آیین جین، رهایی انسان از چرخه زندگی این دنیایی و رسیدن به نوعی سکون و قرار بوده است، از این‌رو، شناخت جهانی که در وهله نخست در نگاه آنها اهمیتی نداشت، ضروری می‌نمود. در نوشتار حاضر می‌کوشیم که دیدگاه‌های کیهان‌شناختی آیین جین را از نظر بگذرانیم تا تبیین روشنی از آن ارائه شود. اصلی‌ترین پرسش نوشتار این است که با توجه به اینکه آیین جین جهان را دارای پروردگار نمی‌داند، جهان‌شناسی این آیین چگونه تبیین شده و دارای چه ویژگی‌ها و مراتبی است.

## مفهوم جهان‌شناسی – جهان‌شناسی جینی

واژه «Cosmology» در لفظ به‌معنای «جهان‌شناسی» و از ریشه یونانی «kosmos» است و در

۱. «Summum Bonum»: این واژه اصطلاحی لاتین و به‌معنای خیر اعلی بوده که معادل آموزه خیر در فلسفه یونان باستان است. این اصطلاح نخستین بار توسط سیسرون (۱۰۶ - ۴۳ ق.م) فیلسوف و سیاستمدار رومی به‌کار برده شد و عموماً و فی‌نفسه به‌عنوان هدف تلقی می‌شود.

اصطلاح به مطالعه دیدگاه‌های کیهانی و همچنین دیدگاه خاص یا تصوراتی راجع به جهان در یک دین یا سنت فرهنگی اطلاق می‌شود. برخی بر این باورند که این واژه دارای معنای دوگانه و یادآور واژه اسطوره‌شناسی (Mythology) است. به این گونه که اسطوره‌شناسی، در عین حال که مطالعه اساطیر است، به گردآوری اسطوره‌های مهم و شاخص یک سنت نیز می‌پردازد. اما واژه «Cosmology» با توجه به کاربرد دوگانه‌ای که دارد از یک جنبه بیشتر مورد توجه است، که همان پیوند با مجموعه‌ای از علوم طبیعی مانند نجوم، علم فیزیک و زمین‌شناسی است (Bolle, 1987, Vol.4, p100 - 101). این اصطلاح تفاوت ظریفی هم با اصطلاح «Cosmogony» یا «کیهان‌زایی» دارد. کیهان‌زایی به اساطیر، داستان‌ها یا نظریات راجع به خلقت عالم، یا نظریه‌های منشأ جهان اشاره دارد. به گفته بهتاچاریه، وجود موجودات زنده، به ویژه انسان‌ها، بیانگر مسئله خلقت است که حتی انسان ابتدایی نیز به دنبال راه‌حلی برای آن بود. فرضیه‌های کیهان‌زایی در صدد یافتن منشأ مشترک پدیده‌های متکثر عالم طبیعت بوده است (Bhattacharyyah, 1971, p1).

در تفکر جینی، جهان با واژه «لکه» یا «تری‌لکه» یا «جهان‌های سه‌گانه» شناخته می‌شود. گرچه «لکه» در اصل به معنای «فضای باز» است، چنین ترجیح می‌دهند که آن را از ریشه «Lok» به معنای «دیدن» بدانند و این گونه آن را تفسیر می‌کنند که اصطلاح «لکه» به معنای چیزی است که به واسطه آن عالم دیده می‌شود یا جایی رؤیت‌شدنی است. «لکه» در هر دو معنا شامل اموری همچون مقولات پنج‌گانه هستی‌شناختی ارواح از جمله حرکت، سکون، اتم، فضا و حواس است. علاوه بر آنها لکه، بهشت و دوزخ و فضای جغرافیایی و جزیره‌هایی را نیز دربر می‌گیرد که به وسیله کوه‌ها از یکدیگر جدا شده‌اند و محصور اقیانوس‌هایند. بیرون از جهان (لکه) تنها «لکه» وجود دارد. «لکه» جایی است که در آن غیر از بادهای قوی چیزی وجود ندارد (Dundas, 2002, p 90). لکه جهان ازلی بدون آغاز و پایان و مکانی است که در آن سعادت و شقاوت (که نتیجه کارهای فضیلت‌مند و شرورانه هستند) تجربه می‌شود (Dasgupta, 1922, vol. 1, p 199).

## وجود خدا در کیهان‌شناسی جینی

جین‌ها وجود خداوند و خالق را برای جهان انکار می‌کنند. از نظر آنها اگر برای جهان خدایی تصور شود باید این خالق یا بدون جسم باشد که در این صورت فاقد نیت و تلاش برای خلقت خواهد بود یا اینکه دارای جسم باشد که در حالت دوم نیز نمی‌تواند بر همه چیز احاطه داشته باشد. نکته شایان توجه اینکه جین‌ها حتی خدایانی همانند برهما و ویشنو را (که نزد هندوها دارای نقش خالقیت و محافظت هستند) نیز در معرض بازپیدایی می‌دانند (Dundas, 2002, p 90; Basham, 1958, Vol.1, p 74). آنها عالم را ازلی دانسته‌اند و بر این باورند که برای خلقت و نابودی جهان، به وجود خداوند احتیاجی نیست. در آیین جین خلقت موجودات از عدم نیست و موجودات هیچ‌گاه معدوم نمی‌شوند، بلکه بیشتر قانون طبیعی بر آنها حکمفرماست. به وجود آمدن و نابودی موجودات تنها به واسطه صفات و حالات آنهاست. مواد به واسطه فعل و انفعالاتشان مجموعه‌ای از ویژگی‌های<sup>۱</sup> جدید را ایجاد می‌کنند. از این رو خلقت از عدم و هر گونه صدفه و اتفاقی در خلقت مردود است. از نظر آنها نیازی نیست که برای جهان قائل به علت اولیه‌ای باشیم؛ چرا که نمی‌توان چگونگی تبدیل یک خدای غیرخلاق را به خدای خلاق درک کرد. جین‌ها برآنند که اگر تنها قائل به یک وجود ازلی باشیم، دیگر سایر موجودات قائم به ذات نیستند. جهان مشتمل بر مجموعه‌ای از عوامل مادی و روانی است که همگی ازلی و دستخوش تحولات بی‌شماری هستند که خود آنها از قدرت‌های طبیعی به وجود آمده‌اند. همچنین تنوع موجودات جهان به پنج عامل زمان، ماهیت<sup>۲</sup>، ضرورت<sup>۳</sup>، فعلیت (کرمه) و میل به بودن و عمل کردن<sup>۴</sup> بستگی دارد. برای مثال اگرچه بذر خود دارای امکان ذاتی برای رشد و نمو است، قبل از اینکه به درخت تبدیل شود، به زمان و محیط طبیعی و استقرار در زمین احتیاج دارد. عناصر جهان هنگامی که به درستی تحول یابند، مقدس می‌شوند. این عناصر،

- 
1. Qualities.
  2. Svabhāva
  3. Niyati
  4. Udyama

همان ارهت‌ها هستند و ارهت‌ها نفوس همه آگاهی‌اند که بر همهٔ نقص‌ها غالب شده‌اند. با اینکه گفته شد که روح الهی خلاق و وجود ندارد، اما هر نفسی<sup>۱</sup> که به بالاترین کمال برسد یک پرماتمن یا نفس متعالی خواهد بود. از دیدگاه جین‌ها، خدا بالاترین، شریف‌ترین و کامل‌ترین تجلی قدرت محسوب می‌شود که در روح انسانی پنهان است (Radhakrishnan, 1948, vol. 1, p 329 - 331). بنابراین هنگامی که در آیین جینی از خدا صحبت می‌شود، منظور همان جیوه‌های رهایی‌یافته است (D. Long, 2009, p 91).

### کیهان‌شناسی فلسفی جینی

فلسفهٔ جینی از دو طبقه اشیا در جهان واقعیت سخن می‌گوید: ۱. «چیتنه»<sup>۲</sup> یا «چیزهای آگاه»؛ ۲. «آچیتنه»<sup>۳</sup> یا «چیزهای ناآگاه». به تعبیر دیگر، آنها جیوه‌ها و اجیوه‌ها خوانده می‌شوند که به معنای «زنده» و «غیرزنده» است. همهٔ جهان هستی حاصل این دو اصل نامخلوق و ابدی، اما جدای از یکدیگرند. جیوه اصلی لذت‌برنده و آگاه بوده، اما اجیوه اصلی بدون آگاهی و لمس‌شدنی، دیدنی، بوییدنی و چشیدنی است (Radhakrishnan, 1948, vol. 1, p 314; Radhakrishnan, 1952, Vol.1, p 143).

از نگاه جینی‌ها پنج مقوله برای پیدایی هستی وجود دارد که «آستی‌کایه»<sup>۴</sup> نامیده می‌شوند. «آستی» به معنای «وجود» و «کایه» به معنای «بدن» یا «مجموعه»<sup>۵</sup> است. آنها وجودهایی هستند که در جهان نفوذ کرده‌اند و عناصر سازندهٔ اصلی (مستول) حفظ هستی هستند. جیوه مهم‌ترین آنهاست که به معنای «روح»<sup>۶</sup> است. جیوه در ترجمهٔ دقیق «ذرهٔ حیات»<sup>۷</sup> خوانده می‌شود و به همراه چهار اصل دیگر یعنی دهرمه (حرکت)، ادهرمه

1. Soul.
2. Cetana
3. Acetana
4. Astikāya
5. Collection
6. Soul.
7. Life Monad

سکون)، پودگله (ماده)، و آکاشه (فضا) که جزو اجیوه‌ها هستند، جهان هستی را تشکیل می‌دهند (Dundas, 2002, p93).

جیوه از ریشه «Jiv»، به معنای «زنده بودن» و حاکی از آن است که این مفهوم ارتباط نزدیکی با نیروی حیاتی ذاتی در موجودات دارد. گرچه جیوه‌های بسیاری وجود دارد، هر جیوه از حیث چهار ویژگی ذاتی یکسان است. به تعبیری با وجود تعدد در ظاهر، جیوه‌ها ذات واحدی دارند. آیین جین همانند سانکهییه و یُگه مدعی است که گرچه همه جیوه‌ها سرشت واحدی دارند، تمایز عددی آنها قطعی است. در آیین جین برخلاف مکتب ودانته، روح برین واحدی همانند برهمن یا پرماتمن وجود ندارد که روح‌های جزئی از آن نشأت گرفته و همه در آن سهیم باشند؛ همانند دانه‌های مروارید که بر روی یک‌رشته قرار دارند (D. Long, 2009, p90 - 91).

براساس فلسفه جینی، جیوه‌ها به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: جیوه‌های دربند<sup>۱</sup> و آزادشده<sup>۲</sup>. دسته نخست موجودات جاندار عینی هستند که در معرض تولد، رشد، مرگ و تباهی قرار دارند. این جیوه‌ها براساس اندام‌های حسی خویش به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. البته علاوه بر این دودسته، طبقه سوم وجود دارد که به آنها نیگودا<sup>۳</sup> می‌گویند. نیگودا، ارواح میزبان<sup>۴</sup> با بدن و تنفس مشترک هستند و در همه جهان حضور دارند. آنها در مقایسه با ارواح آزادشده که در بالاترین سطح حیات هستند، در پایین‌ترین سطح حیات قرار دارند، اما هر دو نامحدود محسوب می‌شوند و جهان نامحدود زنده را توازن می‌بخشند (Upadhye, 1975, p103; Radhakrishnan, 1948, vol. 1, p 323-325).

سمساره چیزی جز گرفتار شدن جیوه در اسارت ماده نیست. جیوه و ماده، علت‌های فاعلی هستند که از جایی به جای دیگر حرکت می‌کنند و نقطه اتحاد آنها کرمه است. رهایی جیوه از اجیوه «مکشه» نام دارد که هدف همه مجاهدت‌هاست. در فلسفه جین،

- 
1. Samsarin
  2. Muktas
  3. Nigoda Being
  4. Host- Souls

پرماآتمن دربارهٔ جیوه ناب و در حال رهایی به کار می‌رود. بنا بر عقیدهٔ جینی، وحدت روح‌ها یک وحدت ذاتی یا جوهری است و همهٔ روح‌ها واحدند، به همان معنا که سیب‌ها واحدند، سیب برین واحدی وجود ندارد که دیگر سیب‌ها تجلی‌های مختلف او باشند، اما همهٔ سیب‌ها در ویژگی‌های خاصی مشترکند که آنها را به‌عنوان سیب متمایز می‌کند. از این‌رو، همهٔ جیوه‌ها چهار ویژگی ذاتی دارند که عبارتند از: معرفت (جنانه)، بصیرت (درشنه)، بهجت (سوکهه<sup>۱</sup>) و قدرت (ویریه<sup>۲</sup>). آنها چهار ویژگی لایتناهی «آنتته چتوشته»<sup>۳</sup> نامیده می‌شوند (D. Long, 2009, p 90 - 92). به نظر هیریانه، مفهوم جیوه با آتمن و پوروشه در تفکر هندو برابر است، اما از نظر ریشه‌شناسی به موجودات دارای روح اشاره می‌کند. واژهٔ جیوه در دلالت ضمنی خود از نظر عملی همانند مفهوم روح<sup>۴</sup> در سایر مکاتب هندوست. تعداد جیوه‌ها نامحدود است، اما همگی شبیه یکدیگر و ازلی هستند (Hiriyanna, 1993, p 157 - 159).

همان‌طورکه گفته شد جیوه‌ها از نظر تجربی بر اساس اندام حسی خویش به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. پایین‌ترین آنها گیاهان هستند که تنها حس بساواپی دارند، از این‌رو آنها را تک‌حسی<sup>۵</sup> می‌نامند. البته غیر از گیاهان موجودات ذره‌بینی نیز جزو موجودات تک‌حسی به‌شمار می‌آیند. موجودات ذره‌بینی مشاهده‌شدنی نیستند و تنها به‌وسیلهٔ آگاهی یوگایی ادراک‌پذیرند. آنها بر روی زمین، هوا، آب و نور یافت و بر اساس محل اقامتشان ساکنان خاک و آب و ... نامیده می‌شوند. پس از آنها موجودات دو حسی<sup>۶</sup> وجود دارند که بیشتر قادر به حرکت از مکانی به مکان دیگرند، به‌همین دلیل آنها «تریسه جیوه‌ها»<sup>۷</sup> یا «موجودات متحرک» می‌گویند. این موجودات تنها دو حس لامسه و چشایی را دارند که

- 
1. Sukha.
  2. Virya.
  3. Ananta- Catuṣṭya
  4. Soul.
  5. Ekandriya
  6. Dvindriya
  7. Trasa Jivas

کرم خاکی و برخی دیگر، جزو این دسته محسوب می‌شوند. طبقه بعد شامل موجودات سه حسی<sup>۱</sup> است که حشراتی مثل مورچه را شامل می‌شود که فقط دارای سه حس بساواپی، چشایی و بویایی است. در طبقه چهارم موجودات چهار حسی<sup>۲</sup> هستند که علاوه بر سه حس قبلی، از حس بینایی نیز برخوردارند، حشراتی همانند زنبور جزو این دسته هستند. برتر از همه اینها، موجودات پنج حسی<sup>۳</sup> هستند که علاوه بر حواس پیشین، حس شنوایی هم دارند که تقریباً بیشتر موجودات و به‌ویژه انسان را شامل می‌شود. البته برخی برآنند از آنجایی که انسان دارای حس ششمی به نام اندیشیدن (مَنَس) است، آن را در طبقه ششم قرار داده‌اند. علاوه بر انسان‌ها، خدایان (دیو‌ها) و نارکه‌ها (دوزخیان) نیز جزو موجودات شش حسی به‌شمار می‌آیند (Dasgupta, 1922, vol.1, p188 - 191; Radhakrishnan, 1952, (vol.1, p 144 - 145; Basham, 1958, vol. 1. P 46 - 47).

اصلی‌ترین ویژگی جیوه، ازلی بودن آن است و اینکه با وجود تغییرات، دارای آگاهی ناب و ذاتی است که آن را قادر به عمل کردن می‌کند، در حالی که همچنان بدون شکل خواهد بود. این جیوه است که اعمال را تجربه می‌کند و مسئولیت همه اعمال را بر عهده دارد نه بدن که صرفاً توده‌ای از اتم‌هاست.

اجیوه نفی جیوه است، به تعبیری آنچه جیوه است، اجیوه نیست. اجیوه اصلی فاقد شعور و آگاهی ذاتی است، از این‌رو، هیچ قدرت ذاتی در خود ندارد و تفاوت‌های ناشی میان موجودات زنده ناشی از اوست. اجیوه به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که عبارتند از: بودگله‌استی کایه<sup>۴</sup>، دهرمه‌استی کایه<sup>۵</sup>، ادهرمه‌استی کایه<sup>۶</sup>، آکاشه‌استی کایه<sup>۷</sup>، پاپه<sup>۸</sup>، پونیه<sup>۹</sup>، کاله<sup>۱۰</sup>.

1. Trindriya
2. Catur-indriya
3. Pañcendriya
4. Pudgalāstikāya
5. Dharmāstikāya
6. Adharmāstikāya
7. Ākāśāstikāya
8. Pāpa
9. Punya
10. Kāla



مهم‌ترین آنها ماده یا پودگله، دهرمه یا حرکت، ادهرمه یا سکون، کاله یا زمان و آکاشه یا فضا هستند. برطبق تقسیم‌بندی دیگری می‌توان اجیوه‌ها را به دو دسته اصلی «آروپه»<sup>۱</sup> یعنی «بدون صورت» همانند دهرمه، ادهرمه، فضا و زمان و «روپه»<sup>۲</sup> یا «دارای صورت» مثل پودگله تقسیم کرد (Radhakrishnan, 1948, vol. 1, p 314 - 315).

پودگله یا «ماده» به چیزی گفته می‌شود که فضا را اشغال می‌کند و از اتم تشکیل می‌شود و بدون اندازه و ازلی است و صفاتی همچون رنگ، صدا، خشنی، تاریک، نور، گرما، طعم و بو و ... دارد. آرایش جواهر مختلف به صورت اشکال هندسی گوناگون کروی و سه‌بعدی و ... ترکیب اتم‌هاست و معمولاً اتم‌ها دارای درجه‌هایی از چسبندگی و خشنی هستند. در اندیشه جینی، تماس اصلی‌ترین ویژگی اتم‌هاست که از ترکیب اجسام مرکب و اجسام مرکب دیگر اشیای جهان ساخته می‌شوند. همچنین اتم‌ها به تغییرات مداومی وابسته‌اند که به واسطه آن، صفات کهنه خود را از دست می‌دهند و صفات جدیدی به دست می‌آورند. ادراک موجودات ناشی از نزدیکی صفات مشابه همانند خشنی، نیلگونی<sup>۳</sup> (تیرگی) یا سختی در ترکیب اتم‌هاست؛ وقتی چیزی تیره به نظر می‌رسد، اتفاقی که می‌افتد این است که اتم‌ها صفت تیرگی را کسب می‌کنند و در نتیجه ادراک و فهم آنها در نفس پدید می‌آید (Dasgupta, 1922, vol.1, p 196 - 197).

فلسفه جینی همانند علم امروزی بر آن است که اشیای فیزیکی از پرمانوهای<sup>۴</sup> یا اتم‌ها تشکیل شده‌اند، به همین سبب به صورت توده یا اسکنده هستند و همه جهان فیزیکی نیز یک مهااسکنده است (Radhakrishnan, 1948, vol. 1, p 316-318; Radhakrishnan, 1952, )

1. Arūpa
2. Rūpa
3. Blueness.

۴. واژه «Paramānu» از دو قسمت «paramā» به معنای «بی‌نهایت» و «Anu» به معنای «ریز» مشتق شده و به‌طور کلی به معنای «موجود بی‌نهایت ریز» است. از نظر برخی با توجه به اینکه نظریات اتمی در فلسفه یونان نیز مطرح بوده، این فلسفه بر نظریات اتمی هند تأثیر گذاشته است و بعدها متفکران هندو آن را گسترش داده‌اند (Radhakrishnan, 1948, vol. 1, p 616 - 617; Sadakata, 1997, p 22 - 25).

vol.1, p143; همچنین بنگرید به: چاترجی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۳۵). به گفته هیریانه، آیین جین جزو نخستین مکاتب هندوست که این ایده را مطرح کرد. از نظر حکمای جینی، حتی عناصر چهارگانه خاک، آب، آتش و هوا نیز از اتم تشکیل شده‌اند. جینی‌ها همانند مکتب ویشیشیکه اتم‌ها را ازلی نمی‌دانند. از دیدگاه آنها ماده دارای دو شکل بسیط و مرکب است که اشیای محسوس از نوع دوم هستند (Hiriyanna, 1993, p162).

در تفکر جینی آکاشه یا فضا شامل دو بخش است. بخشی که به‌وسیله امور دنیوی اشغال شده است و همان «لگه آکاشه»<sup>۱</sup> نام دارد. بالاتر از این فضا، «لگه آکاشه»<sup>۲</sup> قرار دارد که مطلقاً تهی و خلأ است و به خودی خود حرکت و سکونی ندارد. ارواح آزادشده در این فضا هستند و در واقع این فضاست که تداوم زیست دیگر جواهر، از قبیل حرکت و سکون در جیوه و ماده را امکان‌پذیر و به دیگر چیزها کمک می‌کنند تا در آنها نفوذ کنند.

دهر مه همان اصل حرکت است که عاری از مزه، رنگ، بو، صدا و تماس است و به‌واسطهٔ اتصالش با فضا آن را توسعه می‌دهد. دهر مه همان علتی است که حرکت را امکان‌پذیر می‌کند، درست همانند تنگ آبی که حرکت را برای ماهی آسان می‌کند. آب نسبت به ماهی منفعل و کنش‌پذیر است و هیچ‌گونه فعالیتی ندارد. آب ماهی را به حرکت مجبور نمی‌کند، بلکه ماهی در حرکت خود به آب نیاز دارد. به‌عبارتی، دهر مه خودش نمی‌تواند سبب حرکت روح یا ماده شود، بلکه تنها حرکت را امکان‌پذیر می‌کند؛ یعنی اگر دهر مه نباشد، حرکتی نخواهد بود. از این‌رو، در پایان جهان در جایگاه مربوط به ارواح رهاشده، هیچ دهر مه‌ای وجود ندارد، به‌همین دلیل ارواح به آرامش کامل می‌رسند.

ادهر مه اصل سکون است که عاری از کیفیت‌های محسوس بوده و به‌هیچ‌عنوان با لگه آکاشه همجنس و هم‌مرز نیست. ادهر مه به‌همراه دهر مه دو اصل مجرد، غیرفعال، بدون جسم و صفت هستند. آنها شرایط ختنی حرکت و سکون بوده و اصول کیهانی هستند که زمینهٔ حرکت و سکون را امکان‌پذیر می‌کنند، نه اینکه خودشان شرایط حرکت و سکون

1. Lokaākāsa

2. Alokaākāsa

باشند. آنها وسائلی هستند که شرایط آشوبناک و هرج و مرج را به نظامی دارای نظم تبدیل می‌کنند. پذیرش این مقوله از سوی جین‌ها به این دلیل است که اگر ادهرمه نبود، هیچ جوهری قادر به سکون نمی‌شد. از طرفی حرکت و سکون جیوه‌ها تنها به کمک امری بیرونی امکان‌پذیر است.

در تفکر جینی فضا به همراه حرکت و سکون شرایطی را برای زیست موجودات فراهم می‌کند. مطابق تفکر جینی فضا از اتم‌های بی‌شماری تشکیل شده، اما در مورد این مسئله که آیا اتم‌های آن دارای بُعد هستند، قطعیتی وجود ندارد (Basham, 1958, Vol. 1, p73).

کاله یا زمان به عنوان شبه‌جوهر شناخته می‌شود که وقوع حرکت‌های پی در پی را در جهان ممکن می‌کند و در همه جهان نفوذ دارد. زمان حاصل یک سری از تغییرات مداوم نیست، بلکه فرایند مداومی است که از گذشته تاکنون ادامه دارد. بین زمان ازلی بدون شکل و آغاز و انجام با زمان دارای آغاز، تمایزی اساسی وجود دارد. اولی را کاله و دومی را سنیه (Samya) می‌نامند که اولی خود علت دومی است. در آیین جین، علاوه بر موارد مذکور به زمان «چکره» یا «چرخ» گفته می‌شود؛ زیرا در جریان زمان است که همه چیز نابود می‌شود و به همین سبب زمان را نابودگر نامیده‌اند. بنا بر عقیده جین‌ها، اگر وجود زمان را مردود بشماریم، در نتیجه همه تغییرات از جمله رشد و حرکت توهمی بیش نخواهند بود (Dasgupta, 1922, vol.1, p 197-198; Radhakrishnan, 1948, vol. 1, p 315 - 318; Radhakrishnan, 1952, vol.1, p 143 - 144; Dundas, 2002, p 95 - 96). به گفته هیریانه، برای زمان دو دوره اصلی وجود دارد: اوتسارپینی<sup>۱</sup> و اوتسارپینی<sup>۲</sup>. اولی زمان نزولی است که در آن فضایل به تدریج کاهش می‌یابد و در دومی برعکس اتفاق می‌افتد (Hiriyanna, 1993, p160).

زمان از ذرات بسیاری تشکیل شده است که هرگز با یکدیگر ترکیب نمی‌شوند، با وجود این، به فرایند تغییر و تبدل‌ها و دستیابی اتم‌ها به کیفیت‌های جدید و تغییر اتم‌ها

1. Avasarpini

2. Utsarpini

کمک می‌کند. همان‌طور که آکاشه سبب رسوخ و حرکت اتم‌ها می‌شود، کاله نیز تغییر کیفیت اتم‌ها را امکان‌پذیر می‌کند. زمان به‌صورت لحظه، ساعت، روزها و غیره درک می‌شود که «سنیه»<sup>۱</sup> نامیده شده است. در نتیجه کاله نه تنها فرایند تغییر و تبدل‌ها را آسان می‌کند، بلکه سبب تغییر لحظه و ساعت و ... می‌شود. از این‌رو، زمان جوهر<sup>۲</sup>، و ساعت و لحظه‌ها صفات آن هستند (Dasgupta, 1922, vol.1, p 198).

### ارتباط جیوه و اجیوه

در فلسفه جینی ارتباط جیوه با اجیوه از طریق کرمه تعریف می‌شود. کرمه نوعی ماده لطیف است که به جیوه چسبیده و توانایی ذاتی جیوه را می‌پوشاند (البته آن را تغییر نمی‌دهد). استعدادهای جیوه سبب می‌شود که جیوه در سلسله بی‌نهایت از وجودهای جسمانی مکرر زاده شود. به تعبیری، کرمه جوهری مادی است که قانون علت و معلول را در پی دارد و از طریق آن تجربه‌های پیشین را در موجودات به‌وجود می‌آورد. تنها راه رهایی جیوه از اسارت کرمه و تولد مجدد جسمانی، همان زندگی مرتاضانه است. هدف این نوع از زندگی، جلوگیری از ارتباط بیشتر جیوه با کرمه و تسریع زوال کرمه خواهد بود که جیوه را پوشانده است. جین‌ها معتقدند که هرگاه جیوه از شر همه وابستگی‌ها خلاص شود، می‌تواند از تولد دوباره برهد و در نتیجه به بالاترین مراتب این جهان یعنی سیده لکه صعود کند و در آنجا در کمال ذاتی حاصل از معرفت تام و تسلط بر خویشتن به‌صورت جاودانه اقامت کند (D. Long, 2009, p 92؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۲۴۴ - ۲۴۵؛ Radhakrishnan, 1952, vol.1, p 145 - 146).

### کیهان‌نگاری جینی

در کیهان‌نگاری جینی ساختار جهان سه‌بعدی و بیشتر حاصل اطلاعاتی است که در متون

۱. سمیه واحد زمان است که به‌واسطه حرکت اتم در فضا در یک لحظه به‌دست می‌آید.

فرقه شوتامبره می‌خوانیم. «لکه» یا «جهان» در پایین به صورت گسترده، در وسط به صورت باریک و در بالا به صورت پهن و وسیع است. در مجموعه آثاری که از اوایل سده اول میلادی به بعد نگاشته شده، لکه به صورت نقاشی‌هایی با رنگ‌ها و تصاویر مختلف توصیف شده است. لکه میدانی را به تصویر می‌کشد که در آن بازپیدایی رخ می‌دهد. در این فضا همه مخلوقات، حتی خود برهمن و برهما، همگی در حال تناسخ هستند.

فراتر از حدود این جهان، سه لایه هوای متراکم<sup>۱</sup>، هوای رقیق<sup>۲</sup> و سرانجام «الکه آکاشه» یا «فضای خالی» قرار دارد. در آنجا هیچ حرکت، اتمسفر و چیز دیگری وجود ندارد. اما جهان میانی که همان لکه آکاشه است، سلسله‌مراتب چهارگانه دارد که عبارتند از: ۱. جهان زیرین<sup>۳</sup>: که سکونتگاه دوزخیان، شیاطین، تیتان‌ها و غیره است. این جهان هفت طبقه دارد که هر طبقه تاریک‌تر از دیگری است و این طبقات چنین بیان شده‌اند: رتنه پربه<sup>۴</sup>، سرکره پربه<sup>۵</sup>، ولوکه پربه<sup>۶</sup>، پنکه پربه<sup>۷</sup>، دهمه پربه<sup>۸</sup>، تمه پربه<sup>۹</sup>، و مهتما پربه<sup>۱۰</sup>؛ ۲. جهان میانی یا دنیای خاکی<sup>۱۱</sup>: که از جزایر متحد‌المركز بی‌شماری تشکیل شده است و هر کدام به‌وسیله اقیانوس‌های متعددی از یکدیگر جدا شده‌اند. در مرکز آنها جزیره‌ای قرار دارد که قطر آن به اندازه صد هزار یوجنه است و به دلیل وجود درخت جمبو<sup>۱۲</sup> که بالای کوه مرو واقع شده است، «جمبودویپه» نامیده می‌شود. ارتفاع خود کوه مرو حدود صد هزار یوجنه است. همچنین مخروطی رو به بالا دارد که حدود هزار یوجنه آن زیر زمین قرار دارد. جمبودویپه

- 
1. Ghana-Vata
  2. Tanu-Vata
  3. Adhi- Loka
  4. Ratna-Prabha
  5. Sarkara- Prabha
  6. Valuka- Prabha
  7. Panka- Prabha
  8. Dhuma-Prabha
  9. Tamah- Prabha
  10. Mahat-ma-Prabha
  11. Mahya-Loka
  12. Jambhu

متشکل از هفت سرزمین بهارته، هیمواته<sup>۱</sup>، رمیکه<sup>۲</sup>، ویدهه<sup>۳</sup>، هری<sup>۴</sup>، هیرنیکه<sup>۵</sup> و ایرواته<sup>۶</sup> است. این سرزمین‌ها به وسیله شش رشته کوه واقع از شرق تا غرب عالم، از یکدیگر جدا شده‌اند. سرزمین‌هایی همچون بهارته، ایرواته و نیمه از ویدهه، «کرمه بهومی» (قلمرو اعمال) هستند؛ یعنی مکان‌هایی هستند که می‌توان در آنها به رهایی دست پیدا کرد و سایر قاره‌ها قلمرو لذات یا «بهوگبومی»<sup>۷</sup> هستند. این سرزمین‌ها، سکونتگاه انسان‌ها و حیوانات محسوب می‌شوند که به‌ویژه تا میانه جزیره سوم انسان‌ها زندگی می‌کنند.

۳. جهان بالایی یا علوی<sup>۸</sup>: سکونتگاه موجودات آسمانی (خدایان) است. این موجودات علوی دو طبقه‌اند: آنهایی که در بهشت کلیه پنه<sup>۹</sup> و آنهایی که در بهشت‌های بالاتر کلیه تیت<sup>۱۰</sup> متولد شده‌اند. دسته نخست موجودات معمولی هستند که در بهشت‌های کلیه قرار دارند و شاید در طریق بصیرت وارد شوند یا نشوند<sup>۱۱</sup> و دسته دوم آنهایی که نیشان به موکشه یا رهایی آنها در قالب دو یا سه تولد به هیأت انسانی حتمی است. خدایان طبقه کلیه پنه در نواحی شانزده‌گانه و ساکنان کلیه تیت در چهار ناحیه قرار دارند. بالاترین قلمرو کلیه تیت، سرورتهسیده<sup>۱۲</sup> است که موجوداتش در قالب انسان زاده و در همین حیاتشان به موکشه نائل می‌شوند (در بالای جهان مجموعه‌ای از بهشت‌هایی وجود دارد که یکی از آنها روشن‌تر از دیگری است و ساکنان این بهشت‌ها دارای زندگی همراه با لذتی هستند که یادآور سلطنت زمینی است).

- 
1. Himavata
  2. Ramyaka
  3. Videha
  4. Hari
  5. Hiranyaka
  6. Airavata
  7. Bhogabhumis
  8. Celestial(Urdhva-Loka)
  9. Kalpa Papanna
  10. Kalpa Tita
  11. Samyak- Drsana
  12. Sarvarthasiddhi

شایان ذکر است که این خدایان هیچ‌گاه پرستیده نمی‌شوند و هرگاه شایستگی بازپیدایی آنها به‌صورت خدایان تمام شود، از بهشت به زیر می‌افتند. به‌همین ترتیب، عذاب دوزخیان نیز محدود است و پس از اینکه کفاره گناهشان را در دوزخ دیدند، دوباره احتمالاً در موقعیت مشابهی زاده می‌شوند.

۴. سیده لکه<sup>۱</sup>: این ناحیه از یک طرف همانند هلال ماه به‌نظر می‌رسد و بالاتر از قلمروهای علوی است و در نوک عالم قرار دارد. این قلمرو جایگاه همیشگی نفوس<sup>۲</sup> آزادشده و نامتجسم است. آنها معرفت، قدرت و سعادت ناب را تجربه می‌کنند و هیچ‌گاه دچار بازپیدایی نمی‌شوند (Dundas, 2002, p 90 - 92; Kloetzli, 1987, vol. 4, p 111 - 112).

### ادوار کیهانی

در تفکر جینی تناسخ تا ازل برقرار بوده است و جهان نیز روندها و حرکت‌های نزولی را از سر می‌گذراند. در آیین جین هیچ‌گونه توقفی در پایان چرخه جهان وجود ندارد، بلکه روند جهان بیشتر به‌صورت انقباض و انبساط نامحدود است و هر چرخه کیهانی دو نیمه دارد. نیمه‌ای که رو به صعود است و نیمه‌ای که روند نزولی دارد. ما هم‌اکنون در مرحله نزولی هستیم که خود آن شش دوره دارد. دوره نخست دوره شادی فراوان است.<sup>۳</sup> در این دوره مردمان بلند قد هستند و عمری طولانی دارند. آنها هیچ غمی ندارند و ذاتاً اهل فضیلت هستند، از این‌رو، به دین و اخلاق نیازی ندارند؛ دوره دوم دوره شادی است.<sup>۴</sup> طول قامت و عمر و خوشی مردمان کمی کاهش می‌یابد؛ دوره سوم دوره شادی همراه با اندوه<sup>۵</sup> است که طی آن شرارت و اندوه کمی پدیدار می‌شود. بشر به‌سبب این وضعیت به بزرگان<sup>۶</sup> (Kulakara) روی می‌آورد. تا اینکه ریشه‌به، آخرین بزرگ با آگاهی از سرنوشت

1. Siddha-Loka
2. Souls
3. Susama-Sasama
4. Suśama
5. Happy-Wretched
6. Patriarchs.

بشر، تمدن و دولت را بنیاد می‌نهد. سپس به ریاضت می‌پردازد و پسرش بهاراته را به‌عنوان اولین امپراتور جهان برمی‌گزیند. ریشه‌به دوه<sup>۱</sup> نخستین تیرتنکره بود که آیین جینی را در این عصر به‌وجود آورد؛ چرا که وجود دین برای جلوگیری از شر ضروری به‌نظر می‌رسید؛ در دوره چهارم که دوره اندوه همراه با شادی است،<sup>۲</sup> بیست و سه تیرتنکره دیگر متولد شدند که آخرین آنها نیز مهاویره بود؛ دوره پنجم که دوره اندوه بود،<sup>۳</sup> دقیقاً یک سال پس از مرگ مهاویره آغاز شد و تا امروز ادامه دارد و حدود ۲۱۰۰۰ سال به طول می‌انجامد. در این دوره آیین جین به‌کلی نابود می‌شود و جایگاه، قد و طول عمر انسان‌ها کاهش می‌یابد؛ دوره ششم که دوره فراوان است،<sup>۴</sup> حدود ۲۱۰۰۰ سال طول می‌کشد و در پایان به بیشترین حد پستی و پلیدی خود می‌رسد. مردمان در این دوره تنها ۲۰ سال عمر می‌کنند و قدشان به اندازه یک ذراع است. تمدن در این دوره فراموش خواهد شد و مردمان بار دیگر غارنشین می‌شوند و از آتش استفاده می‌کنند. اخلاقیات از بین می‌رود و دزدی، قتل و زنا فراوان می‌شود. در پایان این دوره طوفان‌های شدید، ساکنان کوتاه‌قامت زمین را از بین می‌برد، با وجود این، تعدادی باقی می‌مانند. شش دوره مذکور در فرایند معکوسی و به‌صورت صعودی دوباره تکرار می‌شود تا اینکه سعادت و فضیلت بشر به اوج خود می‌رسد (Basham, 1958, vol. 1, p 48 - 49).

### جوهر در تفکر جین

از منظر جینی همه چیز پیوسته در حال تغییر است و تنها چیزی که حقیقت دارد، همان جوهر است. تغییرهای صوری، صرفاً توهم و بیشتر از نوع اسامی هستند؛ چرا که آنچه ملموس و قابل رؤیت است، وجود واقعی ندارد و دائم در حال تغییر است. این تغییرها همانند شیخ‌هایی هستند که عقل نمی‌تواند آنها را درک کند. تصور وجود جوهری ثابت و لایتغیر از روی جهل و نادانی است. ما باید به هر تغییر، به شکل موجود جدیدی نگاه

1. Rishabhadeva
2. Wretched-Happy
3. Wretched
4. Very- Wretched



کنیم. جینی‌ها برآنند که در همه تغییرات سه ویژگی وجود دارد: ۱. برخی کیفیت‌ها یا صفات همچنان باقی می‌مانند؛ ۲. صفات جدیدی تولید می‌شود؛ ۳. صفات قدیمی از بین می‌روند. هنگامی که یک گلدان ساخته می‌شود یعنی خواص خاک از بین رفته‌اند و خواص جدیدی به وجود آمده‌اند. البته برخی از آنها نیز همیشگی هستند و در ورای این تغییرات مکرر، جوهری وجود دارد که نه مطلقاً ثابت و نه دارای تغییرات زودگذر است، بلکه هر دو را دربر می‌گیرد (Dasgupta, 1922, vol.1, p 174 - 175).

جوهر چیزی است که همواره وجود دارد؛ همانند جهان هستی که نه آغازی دارد و نه انجامی، اما دستخوش کیفیت‌ها و دگرگونی‌هاست. موجودات از منظر جوهرشان پایدار و از منظر عرضیاتشان در معرض دگرگونی قرار دارند. به همین سبب جین‌ها چندان به وجود فراطبیعی قائل نیستند و بیشتر بر وجود تجربی تأکید دارند (Radhakrishnan, 1948, vol. 1, p 312 - 313). از نظر آنها صفات یا گونه‌ها قائم به جواهرند، همان‌گونه که ماده قائم به اتم‌هاست. مهم‌ترین صفات عبارتند از: وجود، سرخوشی<sup>۱</sup>، جوهریت، شناخت‌پذیر بودن، هویت و داشتن اشکال مختلف. ارتباط میان جوهر و صفات محصول اتحاد یا ترکیب آنها با یکدیگر نیست، بلکه جوهر در اعراض با شکل‌ها و حالت‌های مختلف وجود دارد که این حالت‌ها نیز دستخوش تغییر هستند. در فلسفه جین دو نوع تحول و دگرگونی وجود دارد: ۱. دگرگونی صفات ذاتی یک جوهر یا ماده؛ ۲. دگرگونی صفات عرضی. بنابراین، جوهر دارای سه ویژگی خلقت، نابودی و پایداری است (Ibid, p 313 - 314).

### نتیجه‌گیری

- با نگاهی به آموزه‌های جینی در باب جهان‌شناسی می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت:
- جهان‌شناسی جینی به شدت فلسفی و دارای ابهام است و بیش از همه در پرتو نظریه‌های فلسفی همچون جوهر، اتم، جیوه و اجیوه توجیه و تفسیر می‌شود.
  - در جهان‌شناسی جینی بر انکار وجود خداوند و ازلیت جهان تأکید شده و بیشتر

---

1. Enjoyability

قانون طبیعی بر آن حکمفرماست و پیدایی و نابودی موجودات به واسطه صفات و حالات آنها خواهد بود. از طرفی به جای مفهوم خداوند، بر ارواح نجات یافته که حالت الوهی دارند (و ارهت نامیده می شوند) تأکید شده است. از منظر آیین جین، خدایان مطرح شده در تفکر هندو تنها موجوداتی هستند که به بالاترین و شریف ترین حالت هایی رسیده اند که در روح انسانی پنهانند.

- به نظر می رسد جین ها وجود خداوند را مستلزم جسمانیت می دانستند و به همین دلیل وجود او را منکر بودند. احتمالاً اتخاذ این دیدگاه از سوی آیین جین، در واکنش به جریان برهمنی بود که بر وجود خدایان مختلف تأکید داشت.

- در آیین جین، دغدغه رهایی انسان از جهان سبب شده است که تبیینی برخلاف آیین برهمنی از خلقت و ساختار جهان ارائه دهند.

- گرچه در آیین جین ساختار موجودات از ترکیب اتم ها دانسته شده است، در جهان شناسی جینی نه بر وجود جوهری ثابت و نه در حال تغییر در ورای موجودات، بلکه بر حالتی بین این دو تأکید می شود.

- گرچه ادوار جهان در جهان شناسی جینی مانند سایر مکاتب هندو چرخه ای است، در این آیین از آموزه یوگه ها (ادوار کیهانی) سخنی به میان نمی آید.

## منابع

۱. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). *ادیان زنده شرق*، ترجمه جمعی از مترجمان، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲. چاترجی، ساتیش چاندرا و دریندا موهان داتا (۱۳۸۴). *معرفی مکتب‌های فلسفی هند*، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
3. Basham, A. L. & et.al(1958), *Sources of Indian Tradition*, ed by: Wm. Theodor de Bary, New York: Columbia University Press, Vol. 1.
4. Bhattacharyyah, NarendraNath(1971), *History of Indian Cosmogonical Ideas*, New Delhi: MunshiramManharalal.
5. Dasgupta, Surendranath(1922), *A History of Indian Philosophy*, London: Cambridge University Press, Vol.1.
6. Hiriyanana, M.( 1993), *Outlines of Indian Philosophy*, Delhi: Motilal.
7. Kloetzli, W. Randolph(1987), "Hindu and Jain Cosmologies", *Encyclopedia of Religion*, ed by: Mirca Eliade, New York: Macmillan, vol. 4, pp. 109-112.
8. Sadakata, Akira(1997), *Buddhist Cosmology*, tr. By: Gaynor Sekimori, Tokyo: Kosei Publishing Co.
9. Upadhye, A.N(1975), "*Jainism*", *A Cultural History of India*, ed by: A.L. Basham, Oxford: Oxford University Press, pp. 100-110.
10. Bolle, Kees W(1987), "Myth", *Encyclopedia of Religion*, ed by: Mirca Eliade, New York: Macmillan.
11. D. Long, Jeffery(2009), *Jainism: An Introduction*, London: I.B. Tauris.
12. Dundas, Paul(2002), *The Jains*, London & New York: Routledge.
13. Radhakrishnan, Sarvepalli(1952), *History of Philosophy Estern and Western*, London: George Allen & Unwin Ltd, Vol.1.
14. Radhakrishnan, Sarvepalli(1948), *Indian Philosophy*, London: George Allen & Unwin LTD, Vol. 1-2.